

تأملی بر رویکرد قانون مجازات اسلامی به حکم مباشرت و تسبیب در جنایات



حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محمد مصدق، عضو هیئت علمی دانشگاه و معاون اول قوه قضاییه

چکیده

یکی از موضوعات مهم و چالش‌برانگیز در فقه و نظام حقوقی کشور بحث مباشرت و تسبیب در جنایات بوده است. قاعده فقهی که به قاعده تسبیب مشهور است مباحث فقهی زیادی را به خود اختصاص داده و فقهای بسیاری به آن پرداخته‌اند. هر چند کاربرد این قاعده ناظر به مسئولیت مدنی است؛ اما مبانی آن در مسئولیت کیفری نیز کاربرد دارد. در تحقق جنایات، جنایت یا به نحو مباشرت است یا به نحو تسبیب و یا اجتماعی از مباشرت و تسبیب می‌باشد. مقاله حاضر به تحلیل موادی از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که به این مهم اشاره دارد پرداخته و با بررسی سابقه تاریخی موضوع، تلاش نموده نکات کاربردی هر یک از مواد قانونی مورد تبیین قرارگیرد. واژگان کلیدی: جنایات، مباشرت، تسبیب در جنایت، سبب و مباشر



گفتار اول: حکم اجتماع سبب و مباشر

مقنن در خصوص اینکه دو یا چند عامل که برخی به نحو مباشرت و برخی به نحو تسبیب در وقوع جنایتی تأثیر دارند در ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی به تحلیل و تبیین موضوع پرداخته است. در این ماده آمده است: «هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می‌باشند مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آنها باشد، فقط سبب ضامن است».

به لحاظ سابقه تقنینی باید اشاره داشت قانون گذار در سال ۱۳۷۰ و در قالب ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی مقرر کرده بود: «در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد» و مشاهده می‌شود که در قانون اخیرالتصویب (ماده ۵۲۶) قانون مجازات اسلامی) به نحو جامع و کامل به این مهم پرداخته است. در خصوص ماده مذکور، ذکر چند نکته اهمیت دارد:

۱- این ماده نوآوری بسیار مهمی دارد که برخی از حقوقدانان بدون توجه به آن، از این ماده تفسیری بر اساس ملاک‌های قانون سابق ارائه داده‌اند؛ در حالی که این ماده برخلاف ملاک‌های قانون سابق، پیام جدیدی به این شرح ارائه می‌کند که در صورت استناد جنایت به سبب و مباشر، هر دو ضامن‌اند و از این حیث فرقی بین مباشر

و سبب نیست؛ در حالی که در این فرض، قانون سابق مباشر را ضامن می‌دانست. ۲- فروض مختلف این ماده به شرح زیر است:

نخست، چند عامل برخی به مباشرت و برخی به تسبیب در وقوع جنایت تأثیر داشته؛ لیکن جنایت به عوامل مباشرتی مستند است که در این صورت فقط مباشران ضامن هستند؛

دوم، چند عامل برخی به مباشرت و برخی به تسبیب در وقوع جنایت تأثیر داشته؛ لیکن جنایت به عوامل تسبیبی مستند است که در این صورت فقط مسببان ضامن هستند؛

سوم، جنایت به همه عوامل اعم از مباشرت و تسبیب مستند است و میزان تأثیر هر کدام مساوی است و در این صورت همه عوامل اعم از مباشر و مسبب به طور مساوی ضامن خواهند بود؛

چهارم، جنایت به همه عوامل اعم از مباشرت و تسبیب مستند است؛ لیکن میزان تأثیر هر کدام متفاوت است و در این صورت هر یک از عوامل اعم از مباشر و مسبب به میزان تأثیرشان در وقوع جنایت ضامن خواهند بود.

آنچه در چهار فرض فوق مهم است، استناد جنایت و میزان تأثیر هر یک است و از این حیث فرقی بین مباشر و سبب وجود ندارد.

۳- در صورتی که سبب اقوی از مباشر باشد، سبب ضامن است؛ زیرا در این صورت استناد فعل به سبب است نه مباشر و این فرض منافاتی با فروض چهارگانه مذکور ندارد.

۴- از جمله مواردی که سبب اقوی از مباشر است، عبارت است از:

ماده ۲۷۲ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) موضوع خارج کردن مال از حرز توسط مجنون، صغیر ممیز و حیوان: «هرگاه کسی مال را توسط مجنون، طفل غیرممیز،

حیوان یا هر وسیله بی‌اراده‌ای از حرز خارج کند مباشر محسوب می‌شود و در صورتی که مباشر طفل ممیز باشد رفتار آمر حسب مورد مشمول یکی از سرقتهای تعزیری است».

ماده ۵۲۲ همین قانون موضوع مسئولیت متصرف حیوان: «متصرف هر حیوانی که از احتمال حمله آن آگاه است باید آن را حفظ نماید و اگر در اثر تقصیر او، حیوان مزبور به دیگری صدمه وارد سازد ضامن است، ولی اگر از احتمال حمله حیوان آگاه نبوده و عدم آگاهی ناشی از تقصیر او نباشد ضامن نیست».

تبصره ۱ ماده ۳۷۵ همین قانون درباره اکراه در قتل: «اکراه در قتل مجوز قتل نیست و مرتکب، قصاص می‌شود و اکراه‌کننده، به حبس ابد محکوم می‌گردد. تبصره ۱- اگر اکراه‌شونده طفل غیرممیز یا مجنون باشد فقط اکراه‌کننده محکوم به قصاص است...».

مباشر به موضوع یا حکم جاهل باشد؛ مانند کسی که چاهی حفر می‌کند و روی آن را می‌پوشاند و مباشر جرم که از آن آگاهی ندارد، ثالث را همراه خود به آن محل ببرد و آن شخص در چاه بیفتد.

۵- طبق ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی میزان تأثیر هر یک از عوامل بر اساس نظریه کارشناس که مورد وثوق دادگاه بوده و منطبق با اوضاع و احوال قضیه باشد صورت می‌پذیرد و نظریه کارشناس در هر صورت طریقت دارد، نه موضوعیت و چنانچه نیاز به اخذ توضیح از کارشناس و تکمیل نظریه باشد، دادگاه اقدام لازم را معمول می‌دارد و در صورت اقتضا با توجه به ماده ۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)^(۱) از هیئت کارشناسان استفاده خواهد شد. در هر حال لازم است که بین رفتار مرتکب و نتیجه حاصله رابطه سببیت موجود باشد تا مسئول شناخته شود.



۶- ملاک و ضابطه «اقوی بودن سبب از مباشر» دو چیز است:

نخست، وضعیت و شرایطی که از لحاظ عدوان و تعدی سبب را از مباشر قوی تر می کند؛

دوم، از حیث تأثیر مادی آنها؛

بنابراین اگر سبب عدوانی و مباشر غیر عدوانی باشد، سبب مسئول است. همچنین علم و جهل سبب یا مباشر نیز می تواند مؤثر باشد؛ بنابراین هرگاه جهل مباشر عرفاً تعدی و تفریط وی را منتفی سازد، موجب اقوی بودن سبب در عدوان می شود.

پرسش مهمی که پیرامون این ماده قابل طرح می باشد این است که دو نفر از بابت مشارکت در ایراد صدمه بدنی محکوم می شوند. دادگاه تجدیدنظر با لحاظ اظهارات شاکی خصوصی که بیان داشته یک نفر از متهمان او را نگه داشته و دیگری مرتکب ایراد صدمه شده است، حکم بر محکومیت هر دو نفر صادر می کند. آیا دادگاه تجدیدنظر با احراز برائت یکی از متهمان می تواند حکم به پرداخت مابقی دیه توسط متهم دیگر صادر کند؟ برخی معتقدند دادگاه تجدیدنظر باید طبق ماده ۴۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) در حدود تجدیدنظرخواهی رسیدگی کند و تشدید مجازات خارج از حکم مندرج در ماده ۴۵۸ قانون مذکور است. در مقابل برخی معتقدند که دادگاه تجدیدنظر می تواند با برائت یکی از متهمان، حکم به محکومیت نفر دیگر از بابت کل دیه، صادر کند. کدام نظر اقوی است؟ در مقام پاسخ باید گفت: در فرض سؤال که دادگاه بدوی هر دو متهم را به اتهام مشارکت در ایراد ضرب و جرح عمدی محکوم کرده و محکومان هر دو از حکم صادره تجدیدنظرخواهی کرده اند، چنانچه دادگاه تجدیدنظر استان با لحاظ

ماده ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، ضرب و جرح وارده را مستند به رفتار یکی از متهمان تشخیص دهد، با توجه به اینکه طبق ماده ۴۵۲ قانون پیش گفته، دیه احکام و آثار مسئولیت مدنی یا ضمان را دارد و ماده ۴۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری نیز در مورد ممنوعیت تشدید مجازات ناظر به مجازات تعزیری یا اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در حکم تجدیدنظر خواسته است؛ بنابراین دادگاه تجدیدنظر استان می تواند با استناد به ماده ۴۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری و بند «ب» ماده ۴۵۵ و ماده ۴۵۷ همان قانون، تجدیدنظرخواه غیر مقصر و بی گناه را تبرئه کند و تجدیدنظرخواه مباشر در ایراد ضرب و جرح عمدی را بر میزان دیه قانونی متعلقه محکوم و با اصلاح میزان دیه، حکم را تأیید کند.^(۳)

سؤال دیگر اینکه شرکتی کار نقاشی و رنگ آمیزی سقف سوله های خود را به پیمانکار واگذار می کند. پیمانکار مربوطه با استخدام کارگران نقاش در اجرای پیمان مباشرت می کند. در اثنای کار یکی از کارگران بدون توجه به نورگیر تعبیه شده بر روی سقف سوله که در اثر قرار گرفتن تحت پدیده های جوی نظیر آفتاب و باران دچار پوسیدگی و تغییر رنگ شده و نهایتاً هم شکل و هم رنگ دیگر اجزای سقف شده، بر اثر شکستگی شیشه از بلندی سقوط کرده و دچار قطع نخاع و فلج اندام تحتانی می شود. کارشناس بدوی هر یک از شرکت و کارفرما را به میزان چهل درصد و کارگر را به میزان بیست درصد مقصر اعلام می کند. هیئت سه نفره با این استدلال که شرکت به لحاظ تفویض امر به پیمانکار مقصر و مسبب حادثه نیست، کارفرما را شصت درصد و کارگر را به جهت بی توجهی به شرایط موجود، به میزان چهل درصد مقصر اعلام

می کند. لازم به ذکر است که مسئول سوله از خطر در معرض دید کارگر او را آگاه ساخته و هشدار داده که مواظب شیشه ها باشد. هیئت پنج نفره معتقدند که کارگر در هر صورت می بایست رعایت احتیاط های لازم را می کرد و با توجه به هشدارهای ارائه شده از ناحیه مسئول سوله و مشخص بودن وضعیت شیشه ها از زیر داخل سالن، صد در صد تقصیر را متوجه کارگر حادثه دیده می داند. هیئت هفت نفره کارشناسی قائل به تقصیر هشتاد درصدی کارفرمای پیمانکاری و بیست درصدی کارگر حادثه دیده شده است. با عنایت به مراتب فوق و بر اساس مدلول مواد ۵۲۶ و ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، چنانچه این حادثه مربوط به زمان حاکمیت قانون سابق باشد، آیا همچنان همین مقررات حاکم خواهد بود یا طبق قانون سابق باید اظهار نظر شود؟ اساساً در فرض سؤال، آیا تساوی تقصیرها حاکمیت دارد یا اینکه بر اساس درصد و نسبت اعلامی از ناحیه کارشناس باشد؟

در پاسخ به این سؤال باید اشاره داشت فرض سؤال با ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) منطبق است و چون وقوع حادثه مستند به تمام عوامل اشاره شده در فرض سؤال است، علی الاصول به طور مساوی ضامن هستند و در صورتی که به نظر کارشناسان، تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد، هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند. به هر حال تشخیص میزان تأثیر با لحاظ نظریه کارشناسان به عهده قاضی رسیدگی کننده است. ضمناً پیش از تصویب قانون یادشده نیز رویه عملی در این مورد با استفاده از ملاک ذیل ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ بر اساس میزان تأثیر جاری بود.^(۳)



آنها در برخورد مساوی باشد، در مورد جنایت شبه عمدی نصف دیه هر کدام از مال دیگری و در مورد خطای محض نصف دیه هر کدام به وسیله عاقله دیگری پرداخت می‌شود و اگر تنها یکی از آنها کشته شود یا آسیب ببیند، حسب مورد عاقله یا خود مرتکب نصف دیه را باید به مجنی‌علیه یا اولیای دم او بپردازند».

قابل ذکر است که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ نیز قانون‌گذار دو ماده قانونی را به حکم این مسئله اختصاص داده بود. به نحوی که در ماده ۳۳۴ آمده بود: «هرگاه دو نفر با یکدیگر برخورد کنند و در اثر برخورد کشته شوند، هر دو سوار باشند یا پیاده یا یکی سواره و دیگری پیاده باشد، در صورت شبه‌عمد نصف دیه هر کدام از مال دیگری پرداخت می‌شود و در صورت خطای محض نصف دیه هر کدام بر عاقله دیگری است».

و در ماده ۳۳۵ نیز آمده بود: «هرگاه دو نفر با یکدیگر برخورد کنند و در اثر برخورد یکی از آنها کشته شود در صورت شبه‌عمد نصف دیه مقتول بر دیگری است و در صورت خطای محض نصف دیه مقتول بر عاقله دیگری است».

تبصره- هرگاه کسی اتفاقاً و بدون قصد به شخصی برخورد کند و موجب آسیب او شود خطای محض می‌باشد».

آنچنان‌که ملاحظه می‌شود ماده ۵۲۷، ماده مهمی است و باید توجه داشت منظور از عبارت «برخورد بی‌واسطه» در برابر «برخورد با واسطه» وسیله نقلیه است که حکم آن در ماده بعدی خواهد آمد و از حکم این ماده متفاوت است.

همچنین ممکن است برخورد یکی از طرفین به صورت شبه‌عمد و برخورد دیگری به صورت خطای محض باشد که در این صورت هر یک حکم مخصوص به خود را خواهد داشت.

رفتار مرتکبان معلوم باشد، میزان مجازات به نسبت تأثیر رفتار هر مرتکب تعیین خواهد شد؛ اما ماده ۵۳۳ فرضی را بیان می‌کند که استناد جنایت یا خسارت با سببیت دو یا چند نفر به صورت مساوی بوده و یا تفاوت تأثیر رفتار مرتکبان در ایجاد جنایت یا خسارت معلوم نباشد.

دوم، بر اساس ماده ۵۲۶ چنانچه چند نفر به صورت مباشرت در وقوع جنایتی شرکت داشته باشند و تأثیر رفتار آنها متفاوت باشد، مسئولیت آنها بر اساس میزان تأثیر رفتارشان خواهد بود.

سوم، جهل مباشر در صورتی مانع مسئولیت او می‌شود که جهل به موضوع یا جهل حکمی قصوری باشد.

چهارم، طبق ماده ۱۵۹ چنانچه امر آمر غیرقانونی باشد، اصل بر مسئولیت آمر و مأمور است؛ مگر اینکه مأمور به علت اشتباه قابل قبول و به تصور قانونی بودن، آن را اجرا کرده باشد؛ که در این صورت مأمور مجازات نمی‌شود و مشمول ذیل ماده ۵۲۶ است؛ زیرا عدم مسئولیت مباشر در ذیل این ماده منحصر به موارد مذکور همچون جهل، بی‌اختیاری، صغر و جنون نیست؛ بلکه قانون‌گذار با قید «و مانند آنها» روشن ساخته است که این موارد تمثیلی است؛ بنابراین شامل اشتباه قابل قبول نیز می‌شود.

گفتار دوم: حکم جنایت ناشی از برخورد بی‌واسطه دو نفر با یکدیگر

از مسائل مهم و پرتکرار در جامعه که پرونده‌های قضایی بسیاری نیز در مراجع قضایی به این موضوع اختصاص داده شده است؛ جنایت ناشی از برخورد بی‌واسطه دو نفر با یکدیگر می‌باشد. ماده ۵۲۷ قانون مجازات اسلامی حکم این موضوع را بیان کرده، در ماده ۵۲۷ آمده است: «هرگاه دو نفر بر اثر برخورد بی‌واسطه با یکدیگر کشته شوند یا آسیب ببینند، چنانچه میزان تأثیر

سؤال دیگر اینکه در ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) مسئولیت مباشر و مسبب در موارد شرکت در جنایت بر مبنای میزان تأثیر رفتار آنان پذیرفته شده است؛ لیکن ماده ۵۳۳ قانون مذکور در موردی که چند نفر به صورت شرکت سبب وقوع جنایتی شوند، به‌طور مطلق به ضمان آنها به صورت مساوی اشاره کرده است؛ با توجه به مبنای فقهی و مقررات قانونی مربوط، پرسش‌های زیر مطرح است: نخست، علت اینکه ماده ۵۲۶ در موارد شرکت در جنایت بین مباشر و مسبب، مسئولیت بر مبنای تأثیر رفتار آنها را پذیرفته است؛ لیکن ماده ۵۳۳ در موارد شرکت در جنایت به نحو تسبیب، صرف نظر از میزان تأثیر رفتار آنها ضمان به صورت مساوی پیش‌بینی شده است چیست؟

دوم، چنانچه چند نفر به صورت مباشرت در وقوع جنایتی شریک باشند که تأثیر رفتار آنها متفاوت باشد، آیا مسئولیت آنها به صورت مساوی است یا بر اساس میزان تأثیر رفتارشان مسئول می‌باشند؟

سوم، منظور از مباشر جاهل در این ماده قانونی، در مواردی که شخص جاهل، عاقل و بالغ باشد چیست؟

چهارم، آیا مأموری که در اجرای دستور آمر و با این تصور که دستور قانونی است مرتکب قتل یا جرح می‌شود، مباشر جاهل تلقی می‌شود و فاقد مسئولیت است و حسب مورد قصاص یا دیه به عهده آمر است؟ در مقام پاسخ به این پرسش باید گفت: نخست، در ظاهر قانون‌گذار در مواد ۵۲۶ و ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) متفاوت عمل کرده است، اما حکم این دو ماده را می‌توان جمع کرد؛ به این ترتیب که مطابق ماده ۵۲۶ اگر جنایت به صورت مساوی به تمام عوامل مستند باشد، به‌طور مساوی ضامن‌اند و چنانچه تفاوت تأثیر

گفتار سوم: حکم جنایت و صدمه ناشی از برخورد دو وسیله نقلیه با یکدیگر

در ادامه ماده ۵۲۷ و در فرضی که جنایت ناشی از برخورد دو وسیله نقلیه با یکدیگر باشد که پرونده‌های زیادی در مراجع قضایی بر این ماده مرتبط می‌شود را مقنن در ماده ۵۲۸ تبیین نموده است. در ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی آمده است: «هرگاه در اثر برخورد دو وسیله نقلیه زمینی، آبی یا هوایی، راننده یا سرنشینان آنها کشته شوند یا آسیب ببینند، در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده، هریک مسئول نصف دیه راننده مقابل و سرنشینان هر دو وسیله نقلیه است و چنانچه سه وسیله نقلیه با هم برخورد کنند، هر یک از رانندگان مسئول یک سوم دیه راننده‌های مقابل و سرنشینان هر سه وسیله نقلیه می‌باشد و به همین صورت در وسایل نقلیه بیشتر، محاسبه می‌شود و هرگاه یکی از طرفین مقصر باشد به گونه‌ای که برخورد به او مستند شود، فقط او ضامن است». سابقاً نیز ماده ۳۳۷ قانون مجازات اسلامی حکمی شبیه به این ماده داشت و در آن اشاره داشت که «هرگاه دو وسیله نقلیه در اثر برخورد با هم باعث کشته شدن سرنشینان گردند در صورت شبه عمد، راننده هر یک از دو وسیله نقلیه ضامن نصف دیه تمام سرنشینان خواهد بود و در صورت خطای محض، عاقله هر کدام عهده‌دار نصف دیه تمام سرنشینان می‌باشد و اگر برخورد یکی از آن دو شبه‌عمد و دیگری خطای محض باشد ضمان بر حسب مورد پرداخت خواهد شد. تبصره- در صورتی که برخورد دو وسیله نقلیه خارج از اختیار راننده‌ها باشد مانند آنکه در اثر ریزش کوه یا توفان و دیگر عوامل قهری تصادم حاصل شود، هیچ‌گونه ضمانی در بین نیست».

علی‌رغم روشن بودن حکم ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی، سؤالات متعددی قابل

ذکر است که در ذیل به آن اشاره می‌شود و باید توجه داشت مهم‌ترین پیام این ماده آن است که در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده، هر دوی آنها صرف نظر از میزان تقصیر ضامن خواهند بود؛ یعنی چنانچه یکی از رانندگان نمود درصد و دیگری ده درصد مقصر باشد، جبران خسارت توسط هر راننده به صورت تساوی است.

طبق ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی میزان تأثیر هر یک از عوامل بر اساس نظریه کارشناس که مورد وثوق دادگاه بوده و منطبق با اوضاع و احوال قضیه باشد صورت می‌پذیرد و نظریه کارشناس در هر صورت طریقت دارد، نه موضوعیت و چنانچه نیاز به اخذ توضیح از کارشناس و تکمیل نظریه باشد، دادگاه اقدام لازم را معمول می‌دارد و در صورت اقتضا با توجه به ماده ۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) از هیئت کارشناسان استفاده خواهد شد. در هر حال لازم است که بین رفتار مرتکب و نتیجه حاصله رابطه سببیت موجود باشد تا مسئول شناخته شود.

اولین پرسش این است که بر اساس مفاد این ماده، آیا تصادف از شمول قاعده تأثیر میزان رفتار و تقصیر مرتکب مستثنی شده است و به هر میزان که مقصر باشند، دادگاه حکم به تساوی مسئولیت صادر خواهد کرد؟ در پاسخ باید گفت: در موارد برخورد دو وسیله نقلیه زمینی، آبی یا هوایی، هرگاه راننده یا سرنشینان آنها کشته شوند یا آسیب ببینند، در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده، صرف نظر از میزان تقصیر، هر یک مسئول نصف دیه راننده مقابل و سرنشینان هر دو وسیله نقلیه است. رأی وحدت رویه شماره ۷۱۷ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۶ هیئت عمومی دیوان عالی

کشور نیز مؤید این نظر است. مطابق این رأی وحدت رویه: «مستفاد از ماده ۳۳۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) هرگاه برخورد دو یا چند وسیله نقلیه منتهی به قتل سرنشین یا سرنشینان آنها گردد، مسئولیت هر یک از رانندگان در صورت تقصیر به هر میزان که باشد به نحوی تساوی خواهد بود».

پرسش دیگر آنکه چنانچه دو اتوبوس با هم برخورد کنند و یکی از آنها مقصر باشد، آیا دیه مقتولان بایستی توسط رانندگان به تنصیف پرداخت شود؟

باید گفت رأی اصراری شماره ۱۳۶ مربوط به سال ۱۳۶۸ هیئت عمومی دیوان عالی کشور حکایت از این دارد که: «نظر استنباطی در خصوص پرداخت دیه مقتولان بالمناصفه تنفیذ نمی‌شود؛ زیرا به دلالت محتویات پرونده و نظرات افسر کاردان، علت اصلی مقررات راهنمایی و رانندگی از طرف راننده اتوبوس شماره از جهت عدم رعایت حق تقدم عبور بوده و من حیث المجموع راننده اتوبوس دیگر در وقوع تصادف مسئولیتی نداشته است».

حال در تصادف رانندگی بین دو یا چند وسیله نقلیه، در صورت فوت چند نفر از سرنشینان، مسئول پرداخت دیه چه کسی است؟

به نظر می‌رسد مقررات مواد ۵۲۶ تا ۵۳۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) تعارضی با رأی وحدت رویه شماره ۷۱۷ مورخ ۱۳۹۰/۲/۶ هیئت عمومی دیوان عالی کشور ندارد. چنانچه در تصادفات رانندگی بین دو یا چند وسیله نقلیه یک یا چند نفر از سرنشینان به قتل برسند، رانندگانی که در وقوع تصادف تقصیر داشته باشند به‌طور مساوی مسئول شناخته می‌شوند. مقررات ماده ۵۲۸ قانون یادشده مؤید تساوی مسئولیت مقصرین در تصادفات منتهی به قتل سرنشین یا سرنشینان است.^(۴)



به نظر می‌رسد قانون‌گذار نظر دوم را پذیرفته و این ماده بر اساس نظر اخیر تنظیم شده است.

سؤال دیگر آنکه نظر به ماده ۶۵ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه (۱۳۹۵)، در فرضی که تصادف در سال ۱۳۹۰ رخ داده و زیان دیده به هر علت به شرکت بیمه مراجعه نکرده است و حال برای اقامه دعوی به دادگستری مراجعه می‌کند، با عنایت به مواد ۸ و تبصره ماده ۹ و ۱۳ قانون مذکور، نحوه پرداخت دیه ثالث چگونه است؟

به نظر می‌رسد اولاً، دیه همواره به نرخ روز پرداخت می‌شود و در این امر اختلافی نیست. حکم مذکور در ماده ۱۳ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مبنی بر پرداخت دیه به بهای روز بر این امر تأکید و تصریح دارد.

ثانیاً، عدم اقدام برای مطالبه دیه از ناحیه مجنی‌علیه یا وراث وی (متوفی)، موجب سقوط حق مذکور برای آنان نیست و لذا هر زمان می‌توانند این حق را مطالبه کنند.

ثالثاً، در قانون مقرره‌ای دال بر اینکه عدم مطالبه افراد مذکور موجب تنزل دیه به قیمت روز حادثه باشد، پیش‌بینی نشده است. ضمناً چنانچه شرکت بیمه‌گر مطابق ماده ۳۲ قانون مذکور به وظایف قانونی خود در ایداع مبلغ خسارت به صندوق تأمین خسارات بدنی اقدام کرده باشد، وفق ماده ۳۷ این قانون بری‌الذمه محسوب شده و موجبی جهت پرداخت معادل دیه به قیمت روز نمی‌باشد.^(۸)

در جهت شناخت رویه قضایی چند رأی اصراری از هیئت عمومی دیوان عالی کشور در موضوع این ماده به شرح زیر ذکر می‌شود:

پیاده بداند. آیا در چنین مواردی دیه باید به همان نسبت ذکر شده توسط کارشناس تعیین شود یا اینکه بالسویه تنصیف شود؟ در پاسخ باید گفت: پاسخ استفتائات صورت گرفته از برخی مراجع عظام تقلید در خصوص این پرسش به شرح زیر است: امام خمینی (ره): «میزان، صدق استناد است و چنانچه استناد به هر دو طرف باشد دیه بالسویه تنصیف می‌شود و در موارد مشتبّه، احوط مصالحه است».^(۵)

در ماده ۵۲۷ آمده است: «هرگاه دو نفر بر اثر برخورد بی‌واسطه با یکدیگر کشته شوند یا آسیب ببینند، چنانچه میزان تأثیر آنها در برخورد مساوی باشد، در مورد جنایت شبه عمدی نصف دیه هر کدام از مال دیگری و در مورد خطای محض نصف دیه هر کدام به وسیله عاقله دیگری پرداخت می‌شود و اگر تنها یکی از آنها کشته شود یا آسیب ببیند، حسب مورد عاقله یا خود مرتکب نصف دیه را باید به مجنی‌علیه یا اولیای دم او بپردازند.»

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی: «در فرض سؤال، چنانچه حادثه به هر دو طرف، استناد داده شود؛ هر چند یکی از آنها عملش مؤثرتر در وقوع حادثه و دیگری کمتر باشد، از موارد تصادم است و دیه و خسارت تنصیف می‌شود. بلی اگر تأثیر یکی از آنها به قدری کم باشد که استناد به آن صدق نکند، دیه و خسارت بر عهده طرف مقابل است».^(۶)

آیت‌الله العظمی محمد فاضل لنکرانی (ره): «هرگاه حادثه مستند به هر دو طرف باشد، هر یک ضامن نصف دیه می‌باشند».^(۷)

همچنین آیا ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی به عنوان یک قاعده خاص در تصادفات، استثنای پذیر نیست و نمی‌توان در موارد اختلاف در تأثیر، به ماده ۵۲۶ همان قانون رجوع کرد؛ یا اینکه استثنای پذیر است و در موارد اختلاف در تأثیر، رجوع به ماده ۵۲۶ ممکن است و لذا اگر میزان تأثیر هر یک از راننده‌ها در حادثه قابلیت تعیین داشته است، در این صورت باید به ملاک ماده ۵۲۶ یعنی تفاوت تأثیر مرتکبان عمل کرد؟

در این خصوص دو نظر قابل ارائه است: نخست، اگر انتساب برخورد به هر یک از دو یا چند راننده مساوی و به یک میزان باشد و یا انتساب برخورد به هر یک از دو یا چند راننده نامعلوم باشد، مبنای پذیرفته شده در جبران خسارت، تساوی خواهد بود؛ اما اگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد، بر اساس مبنای پذیرفته شده در ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی، هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند؛ بنابراین ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی یک قاعده استثنای پذیر نیست، بلکه مقنن در تعیین ضمان در خسارت وارده دو راهکار ارائه کرده است؛ اگر در حادثه منجر به ایراد خسارت تأثیر رفتار مرتکبان حادثه متفاوت و این تفاوت معلوم باشد، لزوماً باید به ملاک ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی عمل شود؛ اما اگر تأثیر رفتار مرتکبان حادثه مساوی باشد یا معلوم نباشد، ملاک ماده ۵۲۸ همین قانون باید رعایت شود. دوم، در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده، هر دوی آنها صرف نظر از میزان تقصیر ضامن خواهند بود؛ استفتائاتی که از فقهای معاصر شده است، مؤید نظر اخیر است.

سؤال دیگر اینکه در تصادف وسیله نقلیه موتوری با عابر پیاده، ممکن است کارشناس درصدی از تقصیر را متوجه عابر



«از نظر استنباطی شعب ۱۶ و ۱۷ دادگاه کیفری یک مشهد در مورد «الف» و «ب» به اتهام شرکت در قتل غیر عمدی و پرداخت دیه مقتولان بالمناصه تنفیذ نمی‌شود؛ زیرا به دلالت محتویات پرونده و نظرات افسر کاردان و کارشناسان تصادفات، علت اصلی و تامه تصادف بی‌احتیاطی و عدم رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی از طرف «الف» از جهت عدم رعایت حق تقدم عبور بوده و من حیث المجموع «ب» در وقوع تصادف مسئولیتی نداشته است»^(۹)

«با عنایت به گزارش تفصیلی کاردان فنی که با معاینه محل اظهار نموده است، راننده تریلی وارد خیابانی شده که ابتدای آن تابلوی ورود کامیون ممنوع نصب بوده و با سرعت غیرمجاز با پیکان سواری به رانندگی مقتول تصادف می‌کند. هر چند علت اصلی تصادف را بی‌احتیاطی از جانب راننده پیکان دانسته‌اند، ولی با توجه به اینکه شعبه ۱۷ دادگاه کیفری یک تبریز با لحاظ تخلفات راننده تریلی وی را ضامن و معتقد به تنصیف دیه بوده است که این نظر موجه و مقرون به عدالت تشخیص و تأیید می‌شود»^(۱۰)

«اعتراض تجدید نظرخواه در آن قسمت از حکم که به عنوان اشتراک در تقصیر منتهی به قتل غیر عمدی و محکومیت تجدید نظرخواه به پرداخت دیه کامله در حق اولیای دم صادر شده است موجه است؛ زیرا افسر کارشناس تصادف و هیئت شورای بررسی تصادفات استان یزد، علت تامه تصادف را از جانب راننده موتور سیکلت (مقتول) امر اثر انحراف به چپ جاده تشخیص داده‌اند و گواهی سرنشینان اتومبیل پیکان هم مؤید انحراف راننده موتور سیکلت به سمت چپ جاده بوده که موجب تصادف شده است؛ بنابراین اشتراک در تقصیر مستند به دلیل نیست و حکم تجدید نظر خواسته در این قسمت به اکثریت

قریب به اتفاق آراء نقض می‌شود»^(۱۱) توجه به این نکته مهم است که هرگاه تصادف وسیله نقلیه موتوری منتهی به ایراد خسارت همراه با ارتکاب جرم باشد، مورد به عنوان ضرر و زیان ناشی از جرم در دادگاه رسیدگی کننده به جرم، رسیدگی می‌شود؛ اما اگر همراه با ارتکاب جرم نبوده و فقط ایراد خسارت مادی باشد؛ چون در این ماده، فقط پرداخت خسارت عنوان شده است و نه پرداخت دیه، بنابراین فاقد جنبه کیفری است و درج این ماده در قانون دیات موجب نمی‌شود که مقررات آن جنبه کیفری داشته باشد؛ بنابراین رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه حقوقی بوده و از صلاحیت دادگاه کیفری خارج است.

گفتار چهارم: ضرورت احراز رابطه سببیت بین نتیجه حاصله و تقصیر مرتکب در فرض موجب ضمان بودن تقصیر

استناد نتیجه به تقصیر مرتکب از جمله نوآوری‌هایی است که مقنن در ماده ۵۲۹ به آن پرداخته است. در ماده ۵۲۹ قانون مجازات اسلامی آمده است: «در کلیه مواردی که تقصیر موجب ضمان مدنی یا کیفری است، دادگاه موظف است استناد نتیجه حاصله به تقصیر مرتکب را احراز نماید».

این ماده در مقام بیان یکی از ارکان مسئولیت مدنی از جهت اثباتی است؛ مسئولیت مدنی سه رکن دارد: نخست، فعل زیان بار؛ دوم، خسارت ناشی از فعل زیان بار؛ سوم، وجود رابطه سببیت میان فعل زیان بار و خسارت به وجود آمده. تقصیر در اینجا همان فعل زیان بار است که باید نتیجه مستند به آن باشد.^(۱۲)

در این خصوص سؤالی که قابل طرح می‌باشد این است که با توجه به قسمت اخیر ماده ۱۷۱ قانون کار مصوب ۱۳۶۹، چنانچه تخلف از انجام تکالیف قانونی

مندرج در آن قانون سبب وقوع حادثه‌ای شود که منتهی به عوارضی غیر از نقص عضو یا فوت کارگر شود؛ مانند آنکه کارگر در حادثه حین کار دچار جراحت حارصه یا دامیه شود، آیا دادگاه مکلف است از حیث جنبه عمومی جرم تعیین تکلیف کند؟ به عبارت دیگر، آیا مصادیق عوارض مندرج در قسمت اخیر ماده ۱۷۱ قانون کار حصری است یا تمثیلی؛ و در صورت تمثیلی بودن، آیا صرفاً شامل عوارض و یا صدماتی می‌شود که از حیث تناسب و سنخیت همانند نقص عضو یا فوت است؟ در پاسخ باید گفت: اولاً، به تصریح قسمت اخیر ماده ۱۷۱ قانون کار مصوب ۱۳۶۹ نقص عضو یا فوت کارگر از مصادیق عوارض موضوع این ماده است و لذا عوارض منحصر در این دو نمی‌باشد و شامل هرگونه عارضه‌ای است که در اثر حادثه ناشی از کار ایجاد می‌شود و این حادثه وفق ماده ۱۷۱ یادشده به سبب تخلف کارفرما یا مسئول کارگاه از انجام تکالیف مقرر قانونی رخ داده باشد؛ ثانیاً، مطابق ماده ۹۱ قانون کار کلیه کارفرمایان و مسئولان کارگاه‌ها مکلف هستند بر اساس مصوبات شورای عالی حفاظت فنی، در راستای تأمین حفاظت و سلامت کارگران در محیط کار اقدام کنند. ماده ۱۷۱ قانون مذکور نیز در صورت وقوع هرگونه حادثه ناشی از تخلف از انجام تکالیف قانونی که منجر به نقص عضو یا فوت کارگر شود، موضوع را مطابق مجازات‌های مندرج در فصل یازدهم این قانون (مواد ۱۷۱ الی ۱۸۶) قابل مجازات دانسته است. بر این اساس، هر چند تعیین نوع عارضه از حیث عمدی، غیر عمدی یا خطای محض بودن آن و همچنین میزان دیه مطابق مقررات کلی در قانون مجازات اسلامی خواهد بود، اما از نظر میزان مجازات تعزیری، با توجه به اینکه قانون کار با لحاظ مرجع وضع آن قانون خاص است،



قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ که قانون عام مؤخر است، قانون خاص مقدم را نسخ نمی‌کند؛ بنابراین مجازات مقصر حادثه ناشی از عدم رعایت مقررات قانون کار مطابق این قانون تعیین خواهد شد؛ ثالثاً، وفق قسمت پایانی ماده ۱۷۱ قانون کار دادگاه مکلف است علاوه بر مجازات‌های مندرج در فصل یازدهم، نسبت به نقص عضو و فوت طبق قانون تعیین تکلیف کند که مقصود همان دیه و خسارت‌های قانونی است؛ در نتیجه برای رفتار واحد مقصر حادثه ناشی از عدم رعایت نظامات دولتی (به ویژه با در نظر گرفتن قوانین کیفری حاکم در زمان تصویب قانون کار)، نمی‌توان از دو جهت مجازات تعزیری تعیین کرد.

همچنین اگر شخصی بدون گواهی‌نامه رانندگی کند و موجب ورود صدمه بدنی غیرعمدی به دیگری شود، صرف تقصیر وی مبنی بر رانندگی بدون گواهی‌نامه را نمی‌توان ملاک مسئولیت او دانست؛ بلکه باید ثابت شود که این تقصیر (تخلف از مقررات دولتی) در ایجاد حادثه و صدمه نقش داشته است.

اداره حقوقی قوه قضاییه در پاسخ به این سؤال که آیا برای تحقق مسئولیت موضوع این ماده، استناد حادثه به فعل یا ترک فعل افراد باید اثبات شود؟ بیان می‌دارد در رابطه با فرضی که مادری در مراسم عزاداری از دختر همسایه می‌خواهد فرزند شش ساله را برای آرام کردن به بیرون ببرد و دختر در اجرای درخواست مادر، کودک را روی دوش خود می‌گذارد و در این حین پنکه سقفی به سر بچه اصابت کرده و زخمی شده است و با شکایت پدر کودک، عاقله دختر بچه به پرداخت دیه محکوم شده‌اند، چنین پاسخ داده است: «آنچه در فرض مطروحه سبب ایجاد مسئولیت می‌شود استناد حادثه به فعل یا ترک فعل افراد

است و نه صرفاً ارتکاب تقصیر؛ و مطابق ماده ۵۲۹ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) در کلیه مواردی که تقصیر موجب ضمان مدنی یا کیفری است، دادگاه موظف است استناد نتیجه حاصله به تقصیر مرتکب را احرار نماید و احرار استناد در فرض طرح‌شده، امری موضوعی است که با توجه به جمیع شرایط و مقررات قانونی از جمله ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی با دادگاه است و موضوع از مصادیق قاعده احسان موضوع ماده ۵۱۰ همین قانون نیست؛ زیرا بر اساس این ماده، رفتار شخص باید به جهت حفظ مال، جان، عرض یا ناموس دیگری لازم باشد و همان عمل موجب صدمه یا خسارت شود و همچنین مقررات قانونی و نکات ایمنی رعایت شده باشد؛ با این حال تشخیص مصداق بر عهده مرجع رسیدگی کننده است؛ بنابراین نصاب پنکه سقفی که حدود متعارف را در نصب پنکه رعایت نکرده است، در این میان مسئولیت ندارد.^(۱۳)

فرض دیگر اینکه با توجه به قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی (۱۳۹۴) و قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)، آیا معرفی محکوم به زندان به لحاظ عجز از پرداخت دیه یا عجز از پرداخت جزای نقدی (در فرضی که مالی از محکوم شناسایی نشده است) نیازمند اخذ مجوز از دادگاه کیفری صادرکننده رأی است یا اینکه قاضی اجرای احکام کیفری می‌تواند بدون اخذ مجوز از دادگاه، محکوم را با رعایت قانون به زندان معرفی کند؟

در این خصوص به نظر می‌رسد معرفی محکوم به زندان نیازمند اخذ مجوز از دادگاه کیفری صادرکننده رأی است و این موضوع ارتباطی به قاضی اجرای احکام کیفری که وظیفه اجرا بر عهده اوست ندارد؛ بنابراین اتخاذ تصمیم از سوی دادگاه در رابطه با امتناع یا عجز محکوم

از پرداخت دیه منوط به تقاضای محکوم‌له است. همچنین در صورت عجز محکوم از پرداخت جزای نقدی و عدم شناسایی اموال متعلق به وی و یا عدم دسترسی به اموال محکوم، تقسیط و تبدیل مجازات با دادگاه صادرکننده رأی است.

لازم به ذکر است به موجب ماده ۵۳۰ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه برخورد بین دو یا چند نفر یا وسیله نقلیه بر اثر عوامل قهری مانند سیل و طوفان به وجود آید، ضمان منتفی است». در نتیجه به لحاظ اطلاق عبارت «ضمان منتفی خواهد بود». شامل هر دو نوع ضمان مدنی و کیفری می‌شود. در این گفتار توجه به حکم ماده ۵۳۱ قانون مجازات اسلامی که اشعار می‌دارد: «در موارد برخورد، هرگاه حادثه به یکی از طرفین مستند باشد مثل اینکه حرکت یکی از طرفین به قدری ضعیف باشد که اثری بر آن مترتب نگردد، تنها درباره طرفی که حادثه مستند به او است ضمان ثابت است». مهم و لازم به ذکر است مشابه حکم این ماده در قوانین سابق مقرر نشده بود و این ماده مبتنی بر قواعد عمومی مسئولیت مدنی است؛ زیرا شرکت در جنایت زمانی رخ می‌دهد که حادثه به عمل همه شرکا مستند باشد؛ پس اگر حادثه فقط به عمل یک طرف مستند باشد، شرکت نیز منتفی است و هرگاه دوچرخه‌سوار روی زمین بلغزد و با ماشینی که در کنار خیابان ایستاده است تصادم کند، باید زبانی را که وارد کرده است بپردازد؛ هرچند که نتوان تقصیری را به او نسبت داد.^(۱۴)

نکته پایانی در گفتار این است که به حکم ماده ۵۳۲ قانون مجازات اسلامی: «در برخورد دو وسیله نقلیه هرگاه رفتار هر دو یا یکی از آنها مشمول تعریف جنایات عمدی گردد حسب مورد به قصاص یا دیه حکم می‌شود»، لذا چنانچه راننده وسیله نقلیه به معیوب بودن آن علم داشته باشد



و در عین حال اقدام به رانندگی کند و مرتکب قتل شود، طبق بند «ب» ماده ۲۹۰ همین قانون^(۱۵) نوع قتل عمد خواهد بود.

گفتار پنجم: حکم جنایت یا خسارت ناشی از تسبیب دو یا چند نفر به نحو شرکت

در این گفتار به تبیین ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی پرداخته خواهد شد. ماده ۵۳۳- «هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند به طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به طور مساوی ضامن می‌باشند». ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) به عنوان پیشینه قانونی ماده ۵۳۳ مقرر داشته بود: «هرگاه چند نفر با هم سبب آسیب یا خسارتی شوند به طور تساوی عهده‌دار خسارت خواهند بود». در خصوص ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی نکات و پرسش‌های ذیل قابل توجه است:

۱- این ماده در مقام بیان آن است که چنانچه چند نفر در ایجاد سبب واحد که موجب جنایت یا خسارتی بر دیگری شده مشارکت داشته باشند؛ به طوری که جنایت یا خسارت به همه آنها مستند باشد، همگی به طور مساوی ضامن خواهند بود.

۲- برای جلوگیری از تعارض این ماده با ماده ۵۲۶ همین قانون باید گفت این ماده موردی را بیان می‌کند که میزان تقصیر همه افرادی که در ایجاد سبب مشارکت داشته‌اند مساوی باشد و در غیر این صورت باید طبق ماده ۵۲۶ عمل شود.

۳- این ماده در فرضی که امکان تشخیص میزان تقصیر نباشد نیز مورد استناد قرار می‌گیرد.

۴- پرسش: مسئولیت حوادث ناشی از کار متوجه چه کسی است؟

پاسخ: با توجه به مقررات مواد ۹۱ و ۹۵ قانون کار مصوب ۱۳۶۹ مسئولیت مدنی و کیفری ناشی از حوادث حین کار متوجه شخصی است که در وقوع حادثه مقصر شناخته شود. در هر حادثه تشخیص مقصر و تطبیق مورد با قانون، بر عهده قاضی رسیدگی‌کننده است که با عنایت به مقررات مربوط در این خصوص اتخاذ تصمیم می‌کند.^(۱۶)

۵- پرسش: در حادثه ناشی از کار کارفرما به میزان پنجاه درصد، کارگر به میزان سی درصد و پیمانکار به میزان بیست درصد مقصر اعلام شده است. آیا دادگاه در صدور رأی و حکم به پرداخت دیه باید درجه تقصیر را لحاظ کند یا اینکه با لحاظ ماده ۵۳۳ این قانون، هر کدام به میزان یک‌سوم مسئول هستند؛ به این معنی که یک‌سوم از دیه بر اساس قاعده اقدام به کارگر تعلق نمی‌گیرد و دوسوم باقی‌مانده را یک‌سوم کارفرما و یک‌سوم پیمانکار باید بپردازد؟

پاسخ: ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) فرضی را بیان می‌کند که چند نفر به شراکت، سبب واحدی را به وجود آورند و آن سبب موجب جنایت شود؛ و در این صورت، شرکا به تساوی ضامن هستند؛ همان طور که در ماده ۴۵۳ قانون مجازات اسلامی نیز شرکا به صورت مطلق و تساوی ضامن دانسته شده‌اند؛ خواه تأثیر آنان در ایجاد سبب مساوی باشد و خواه متفاوت؛ اما اگر اسباب متعددی در عرض هم برای جنایت وجود داشته باشد و نتوان جنایت را منحصر به یکی از آنها منسوب کرد، مورد مشمول ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی است و هر یک به نسبت تأثیری که در وقوع جنایت داشته‌اند مسئول خواهند بود. لازم به ذکر است با توجه به اینکه در فرض حاضر کارگر، کارفرما و پیمانکار مؤثر در وقوع حادثه هستند (کارگر مباشر

و کارفرما و پیمانکار سبب)، لذا از موارد اجتماع چند سبب و مباشر است و مطابق منطوق صریح ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی، هر یک به میزان تأثیر رفتار خود مسئول هستند.

۶- در فرضی که متوفی به علت بیماری، زمینه خطرناکی از لحاظ جسمی داشته که به فوت ناشی از حادثه کمک کرده است، باید توجه داشت که هرگاه آسیب به مشارالیه وارد نمی‌شد، سال‌ها می‌توانست به همان حالت به زندگی ادامه دهد؛ بنابراین افرادی که با هم سبب آسیب بوده‌اند به طور تساوی عهده‌دار خسارت خواهند بود و بیماری مجنی‌علیه موجب کاهش مسئولیت آنها نمی‌باشد.^(۱۷)

۷- از مواد ۴، ۱۱ و ۱۲ قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی و به طور کلی از مقررات این قانون استنباط می‌شود که پرداخت هزینه‌ها و مستمری ناشی از حوادث و فوت کارگر بر عهده صندوق تأمین اجتماعی و پرداخت دیه که نتیجه تقصیر کارفرما در تأمین مسائل ایمنی و حفاظت کارگاه است، عهده کارفرما است. لذا در فرض تقصیر کارفرما و محکومیت وی به دیه، حق مراجعه به صندوق تأمین اجتماعی استرداد دیه پرداختی را ندارد.^(۱۸)

گفتار ششم: حکم جنایت ناشی از تعدد اسباب

یکی از موضوعات مهم در خصوص تسبیب در جنایت، موضوع تعدد اسباب است که در ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی مورد توجه مقنن قرار گرفته است. در ماده ۵۳۵ آمده است: «هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیر مجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است مانند آنکه یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد



غیرمجاز باشد و ظاهراً این ماده در مقام بیان مسئولیت سبب مقدم در تأثیر است؛ صرف نظر از اینکه کدام یک از اسباب زودتر حادث شده است؛ مانند آنکه کسی سنگی در جایی بگذارد و در کنار آن چاهی حفر شود و دیگری به سبب برخورد با سنگ به چاه سقوط کند. طبق این ماده، کسی که سنگ را گذاشته مسئول است و اینکه اول چاه حفر شده یا سنگ گذاشته شده است مؤثر نیست؛ در حالی که برخی معتقدند که فرض این ماده مربوط به جایی است که سبب مقدم زودتر ایجاد شده است.^(۲۰) لازم به ذکر است چنانچه همه کسانی که به نوعی در وقوع جنایت نقش داشته‌اند قصد جنایت داشته باشند، شرکت در جرم محسوب می‌شود و همگی مسئولیت خواهند داشت.

قرار داده مسئول می‌داند؛ زیرا ابتداءً عابر با سنگ برخورد کرده و سپس بر اثر برخورد به چاه افتاده است؛ اما با توجه به قسمت اخیر ماده ۵۳۶ و ملاک ماده ۵۳۱ قانون یادشده، چنانچه قاضی احراز کند که قرار دادن سنگ کوچک به قدری در وقوع حادثه ضعیف بوده که به تنهایی اثری بر آن مترتب نشود و حافر چاه با توجه به این امر متعاقب قرار گرفتن سنگ، در محل اقدام به حفر چاه در کنار سنگ کند و حادثه در اثر برخورد عابر به سنگ و سقوط وی در چاه رخ دهد، حافر چاه مسئول است نه قرار دهنده سنگ. به هر تقدیر، تشخیص مصداق و احراز استناد، امری موضوعی و بر عهده قاضی رسیدگی کننده است.^(۱۹) فرض این ماده آن است که رفتارهایی که توسط چند نفر انجام شده، همگی

و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت، کسی که سنگ را گذاشته، ضامن است مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می‌شود. این ماده به شکل کنونی در قانون مجازات اسلامی سابق وجود نداشت. قسمت ذیل ماده ۳۶۴ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) که تا حدی مرتبط با حکم این ماده است چنین مقرر داشته بود: «اگر عمل یکی از دو نفر عدوانی و دیگری غیرعدوانی باشد، فقط شخص متعدی ضامن است». باید توجه داشت ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) که از متون فقهی اخذ شده است، سبب مقدم در تأثیر را مورد پذیرش قرار داده است؛ یعنی بین واضع سنگ و حفرکننده چاه، کسی که سنگ را

پی‌نوشت‌ها

- ۱- ماده ۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری: «هرگاه مأموران پست بر مبنای قرائن و امارات، احتمال قوی دهند که بسته پستی حاوی مواد مخدر، سمی، میکروبی خطرناک و یا مواد منفجره، اسلحه گرم، اقلام امنیتی مطابق فهرست اعلامی از سوی مراجع ذیصلاح به پست و یا سایر آلات و ادوات جرم است، محموله پستی با تنظیم صورت‌مجلس توقیف می‌شود و موضوع فوری به اطلاع دادستان می‌رسد. دادستان پس از اخذ نظر مراجع ذیصلاح و بررسی، در صورت منتفی بودن احتمال، بلافاصله دستور استرداد یا ارسال بسته پستی را صادر می‌کند».
- ۲- نظریه مشورتی شماره ۷/۱۰۹۱ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۹ اداره حقوقی قوه قضاییه
- ۳- نظریه مشورتی شماره ۷/۱۳۰ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۳۱ اداره حقوقی قوه قضاییه
- ۴- نظریه مشورتی شماره ۷/۱۹۴۹ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۸ اداره حقوقی قوه قضاییه
- ۵- بنگرید به: **گنجینه استفتائات قضایی** (نرم‌افزار)، سؤال ۲۵۲۷
- ۶- گلپایگانی، سید محمدرضا، **مجمع المسائل**، جلد سوم، قم: دارالقرآن الکریم، چاپ دوم، ۱۴۰۹ هجری قمری، صفحه ۲۷۴
- ۷- فاضل لنکرانی، محمد، **جامع المسائل**، جلد نخست، قم: امیرالعلم، چاپ یازدهم، بی‌تا، صفحه ۵۳۶
- ۸- نظریه مشورتی شماره ۷/۱۵۵۱ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۲ اداره حقوقی قوه قضاییه
- ۹- رأی اصراری شماره ۱۳۶ سال ۱۳۶۸ هیئت عمومی دیوان عالی کشور
- ۱۰- رأی اصراری شماره ۱۴۶ مورخ ۱۳۶۸/۱۱/۱۷ هیئت عمومی دیوان عالی کشور
- ۱۱- رأی اصراری شماره ۱۶ مورخ ۱۳۷۲/۲/۲۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور
- ۱۲- زارعت، عباس، **شرح مختصر قانون مجازات اسلامی**، پیشین، صفحه ۵۸۶
- ۱۳- نظریه مشورتی شماره ۷/۸۳۶ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۱ اداره حقوقی قوه قضاییه
- ۱۴- کاتوزیان، ناصر، **مسئولیت مدنی**، پیشین، صفحه ۳۰۸
- ۱۵- ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲): «جنایت در موارد زیر عمدی محسوب می‌شود: الف- هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع را داشته باشد و در عمل